

Original Paper **The functions of allegory in Kalileh and Demeneh**



Saeedeh Saki Entezami*

Abstract

In this article with the title of the functions of allegory in Kalileh and Demeneh, this topic is explained focusing on the constructive role of allegory in the text of Kalileh and Demeneh. Kalileh and Demeneh is a perfect example of technical prose; Allegory is one of the imagination tools in this book. This research was done with the aim of highlighting and specifying the functions of similes in the book of Kalileh and Demeneh, and its importance lies in the fact that similes, in terms of frequency of use, are also dominant and have different functions and different roles in the direction of development and expansion. Meaning plays a useful tool in the service of expressing aesthetic concepts in this book. Allegorical simile, in its main Kurdish work, deals with the expression of mysterious, abstract and mental matters and concepts and their discovery by tangible, objective things; In allegory, because the unknown is always compared to the known, it makes it stand out. After checking and taking slips from the first-hand sources and coding the slips, the researcher analyzed the data. This research was done in a descriptive and analytical way.

Keywords: Didactic literature, allegory, functions of allegory, kalileh and demeneh

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran

Please cite this article as (APA): Saki Entezami, Saeedeh, (2024). The functions of allegory in Kalileh and Demeneh. <i>Journal of Pedagogic and Lyric in Persian Language and Literature Studies Quarterly</i> , 15(58), 62-80.		
 Creative Commons: CC BY-SA 4.0		
Publisher: Islamic Azad University Bushehr Branch / No. 58/ Winter 2024		
Receive Date: 29-05-2023	Accept Date: 03-09-2023	First Publish Date: 31-12-2023

مقاله پژوهشی

کارکردهای تشبیه تمثیل در کلیله و دمنه

سعیده ساکی انتظامی*

چکیده

در این مقاله با عنوان کارکردهای تشبیه تمثیل در کلیله و دمنه، به تبیین این موضوع با محوریت نقش سازنده تشبیه تمثیل در متن کلیله و دمنه پرداخته می‌شود. کلیله و دمنه نمونه‌ای به کمال از نثر فنی است؛ تشبیه تمثیل یکی از ابزارهای خیال پردازی در این کتاب است. این تحقیق با هدف برجسته سازی و مشخص کردن کارکردهای تشبیه تمثیل در کتاب کلیله و دمنه انجام شد و اهمیت آن در این است که تمثیل، از نظر بسامد کاربرد، نیز غالب است و کارکردهای متفاوتی دارد و نقش‌های مختلفی در جهت بسط و گسترش معنا ایفا می‌کند که ابزاری سودمند در خدمت بیان مفاهیم زیبایی شناختی در این کتاب است. تشبیه تمثیلی در اصلی‌ترین کار کرد خود به بیان امور و مفاهیم غامض و انتزاعی و ذهنی و کشف آنها توسط امور محسوس، عینی می‌پردازد؛ در تشبیه تمثیل به دلیل اینکه همیشه امر مجهول به امر معروف تشبیه می‌شود باعث برجسته سازی می‌گردد. پس از بررسی و فیش برداری از منابع دست اول و کد گذاری فیش‌ها پژوهشگر به تحلیل داده‌ها اقدام کرد. این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

واژگان کلیدی: ادبیات تعلیمی، تمثیل، کارکردهای تمثیل، کلیله و دمنه.

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران Saeedeh.entezami@yahoo.com

لطفاً به این مقاله استناد کنید:

ساکی انتظامی، سعیده، کارکردهای تشبیه تمثیل در کلیله و دمنه. فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی. ۱۵(۵۸)، ۶۲-۸۰.



حق مؤلف © نویسنده‌گان.



ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر / شماره پنجاه و هشتم / زمستان ۱۴۰۲ / از صفحه ۸۰-۶۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲ تاریخ انتشار بر روی اینترنت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

مقدمه:

ساختار تمثیل به نویسنده امکان می‌دهد تا از اثربخشی زبان و تصویرسازی برای ارائه پیام و توصیف بهتر رویدادها استفاده کند و به خواننده کمک می‌کند تا بهترین درک را از مفهوم و موضوعات واقعی پیدا کند. تمثیل به عنوان یکی از ابزارهای زبانی و ادبیاتی به کار می‌رود. در استفاده از تمثیل، مفهومی که قصد توصیف آن را داریم (مفهوم مبدأ) با یک مفهوم دیگری که برای شناخت خصوصیات، ابعاد، ویژگی‌ها و جنبه‌هایی از مفهوم مبدأ استفاده شده است (مفهوم هدف) مقایسه می‌شود. به کارگیری تمثیل‌ها در ادبیات، شعر، داستان‌ها و حتی در زبان عامیانه به افزایش جذابیت و قوت بیان کمک می‌کند و تصویرسازی عمیقتری را به ارمغان می‌آورد. تمثیل به عنوان یکی از اصول ادبی، ابزاری قوی برای خلق تصاویر زیبا و مفهومی است که علاوه بر جذابیت ظاهری، به مخاطب کمک می‌کند تا بهتر و عمیق‌تر احساسات و افکار نویسنده را درک کند. شاید بتوان با یک دیدگاه تمثیل را از نظر موضوع به چند نوع تقسیم کرد:

۱- تمثیل سمبلیک: در این نوع تمثیل، نویسنده از اجسام، شخصیت‌ها یا مفاهیمی استفاده می‌کند که در واقع نمادی از چیزی دیگر هستند. به عنوان مثال، استفاده از گل به عنوان نماد عشق و زندگی
 ۲- تمثیل مجازی: در این نوع تمثیل، نویسنده از عبارات یا واژگانی استفاده می‌کند که به طور مستقیم با مضمون کتاب ارتباط ندارند، اما با توجه به مفهوم و روح کلی کتاب، به خواننده پیامی را انتقال می‌دهند.

۳- تمثیل واقعی: در این نوع تمثیل، نویسنده از اجسام و واقعیت‌های دنیای واقعی استفاده می‌کند که با استفاده از توصیفات و تصاویرسازی کلامی، خواننده را به درک بهتر مفهوم مورد نظر می‌رساند.
 تمثیل در ادبیات فارسی یکی از شیوه‌های اصلی بیان و ارتباط با مخاطب است. تمثیل به معنای بکارگیری کلمات و عباراتی است که معنای غیر مستقیمی داشته و به بیان مفهوم یا ایده‌ها به شیوه‌ای زیبا و تأثیرگذار کمک می‌کند. با استفاده از تشبیه تمثیل، مقایسه و رویکرد هنری دیگر، بین مفهوم اصلی و مفهومی که توسط آن بیان می‌شود پلی برقرار می‌کند. تمثیل می‌تواند به شکل تشبیه تمثیل ظاهر شود. در این حالت، یک مفهوم یا شیء به شیء دیگری تشبیه می‌شود تا تصویری واضحتر و قابل فهم‌تر بوجود آید. این نوع تمثیل باعث می‌شود تا بخشی از شعر یا نثر به چشم و ذهن خواننده درخشان‌تر و زیباتر ظاهر شود و به شکل تابلویی تصویری آن در ذهن مخاطب تجسم شود. پژوهشگر پس از مطالعه کتاب کلیله و دمنه با تمرکز بر تشبیه تمثیل به نتایج ذیل دست یافت. در این کتاب

تسبیه تمثیل کاربردهای متفاوتی را می‌آفریند که به این وسیله در اثر تعامل مفاهیم یک حوزه با مفاهیم حوزه‌ی دیگر مفاهیم نوین به وجود می‌آیند.

توصیفات در کلیله و دمنه در اوج خیال‌انگیزی است. مخاطب با دقت در ترکیب واژگان و از طریق خوانش متن و نوشته و تحلیل آن و با کشف رابطه‌ی میان مشبه و مشبه به مفهومی بسط و گسترش یافته می‌رسد. که این ترکیبات در اثر تخیل نویسنده به وجود آمده‌اند. بیشتر ترکیباتی که نویسنده در تشبیه تمثیل به کار برده است از نوع برساخته‌ی تخیل نویسنده است. در تشبیه تمثیل مفاهیم انتزاعی، نامحسوس و معقول براساس مفاهیم محسوس، ملموس و زمینی تحلیل و دریافته می‌شوند پس می‌توان گفت هدف از تشبیه تمثیل این است که مفاهیم ذهنی و انتزاعی را براساس یک الگوی عینی و محسوس تجزیه و تحلیل کنیم و آنها را درک نماییم.

در این حالت انتقال معنی از عنصری به عنصر دیگر رخ می‌دهد، یعنی عنصری که مفهوم مشخص‌تر و شناخته شده تری دارد، تمام یا قسمتی از معنای خود را به عنصر دیگری که اغلب کمتر شناخته شده است و دسترسی زیادی بدان وجود ندارد منتقل می‌کند. این سازو کار در تشبیه تمثیل کاربرد دارد. ازدیدگاه نویسنده رابطه‌ی معنایی کشف نشده‌ای بین دو امر مشبه و مشبه به وجود دارد که در تشبیهات غیرقراردادی برساخته‌ی نویسنده آنرا بیان می‌کند و مخاطب نیز باید برای درک مفاهیم قادر به این کشف باشد که از طریق تأویل و خوانش متن به کشف رابطه می‌رسد. می‌توان گفت تشبیه تمثیل یکی از اصلی‌ترین کارکردهای کلیله و دمنه است که رویکردهای متفاوتی دارد که در این مجال بیان خواهد شد.

بیان مساله:

از دیر باز جایگاه داستان نزد اقوام باعث شد تا قالب داستان حتی در ادیان نیز ابزاری برای ابلاغ پیام‌های الهی و عبرت آموز باشد، حتی امروزه نیز قالب داستان جایگاه ویژه‌ای دارد. داستان‌های بسیاری نوشته شده‌اند که قهرمانان آنها، شخصیت‌هایی غیرانسانی هستند و نویسنده با آنها همچون شخصیت‌های انسانی رفتار کرده است. در ادبیات فارسی کلیله و دمنه از جمله آثاری است که غالباً قهرمان حکایات آن حیوانات هستند که سخن می‌گویند و رفتار و کرداری مانند انسان‌ها دارند. نسبت دادن اعمال و صفات انسانی به غیر انسان و همچنین برخورد انسانی و شخصیت بخشیدن به هر چیزی که در دایره‌ی اشخاص حقیقی قرار نگیرد، یکی از پرکاربردترین آرایه‌هایی است که در حکایات تمثیلی از آن بهره می‌برند. در اینگونه حکایت‌ها هدف نویسنده آموزش یک مفهوم اخلاقی یا اجتماعی

یا انسانی است و در قالب حکایت تمثیلی بیان می‌شود. برای این منظور نویسنده از تمثیل به شیوه‌های گوناگون بهره برده است که کارآیی مختلف در متن داشته است و متن را با کاربردهای مختلف خود غنی کرده و پوشش داده است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

پیشینه پژوهش:

مریم محمودی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان تشبیه برجسته‌ترین ویژگی سبکی کلیله و دمنه به این نتیجه دست یافت که تشبیه در کتاب کلیله و دمنه در کنار سایر صور خیال ابزاری مهم و سودمند در خدمت بیان اندیشه و مفاهیم تعلیمی این کتاب است. (محمودی، ۱۳۹۳: ۱۲۱)

علیرضا محمدی کله‌سر (۱۳۹۵) در دانشگاه شهرکرد، در مقاله‌ای با عنوان داستان تمثیلی؛ ساختار، تفسیر و چندمعنایی به این نتیجه دست یافت: چندمعنایی در داستان‌های تمثیلی، افزون‌بر بافت معنایی و فهم مخاطب به منزله ویژگی‌های بیرونی حاکم بر تفسیر، با ویژگی‌های ساختاری این متون نیز رابطه دارد. (کله‌سر ۱۳۹۵: ۲۵۷)

یلمه‌ها و همکار (۱۳۹۶) در مقاله‌ای در مجله‌ی تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی به «بررسی تمثیل در دو داستان کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه» پرداختند و به این نتیجه رسیدند: انواع فابل، پارابل و آگزمپلوم در این داستان‌ها یافت شد و در این میان غلبه با آگزمپلوم بوده است. از میان انواع آگزمپلوم، مثل، ضرب‌المثل و تحریف شده آن، سخنان و امور مشهور یافت شد. همچنین فابل و آگزمپلوم در کلیله و دمنه بسامد بیشتری داشته است. (اژدر نژاد و یلمه‌ها، ۱۳۹۶: ۲۷)

اسماعیل رضوانی نیا، (۱۳۹۷) در دانشگاه آزاد سبزوار در پایان‌نامه دکتری با عنوان نقد و تحلیل درون مایه و ساختار حکایت‌های تمثیلی (نمایشی) در ادب فارسی در قرن ۶ و ۷ بر پایه‌ی کلیله و دمنه، سمک عیار، چهار مقاله، مرزبان‌نامه و گلستان سعدی به این نتیجه دست یافت: داستان‌ها و قصه‌های بلند عامیانه روایت اجتماعی هر جامعه است که مردمان اعصار مختلف را با شیوه‌ی تفکر و اندیشه، داستان نویسی و داستان‌گویی و آمال و آرزوهای مردمان آشنا می‌کند. در قرن بیستم بررسی ساختارگرایی بسیار مورد توجه قرار گرفت که در تلاش برای کشف الگو و نظامی از روابط و پیوندها امکان ارزیابی مفاهیم را ممکن ساخت؛ بنابراین ساختارگرایی با حرکت از زبان به ادبیات و تحلیل ژرف ساخت آثار ادبی الگوهای مناسبی برای بازخوانی و نقد فراهم می‌آورد. (رضوانی نیا، ۱۳۹۷: ۱)

میر هاشمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله ایی با عنوان تمثیل، گونه‌ها و کارکرد آن در پنج اثر منشور تاریخی به این نتیجه دست یافت که نویسندگان متن‌های تاریخی از گونه‌های مختلفی از تمثیل با اهدافی گوناگون بهره می‌جویند که نه تنها به رسانگی متن آن‌ها آسبیبی نمی‌رساند، بلکه در انتقال مفاهیم عینی به ذهن خواننده و بازگویی واقعیت‌های تاریخی به آنان کمک شایانی می‌کند. (میر هاشمی، عباسی، صالحی، ۱۳۹۸: ۱۳۳)

با تحقیقاتی که انجام شد تحقیقی با این عنوان در جایی دیده نشد در این مقاله به جهت غلبه محتوای کلیله و دمنه با موضوع مقاله به بررسی کاربرد تشبیه تمثیل در این کتاب پرداخته می‌شود.

پرسش و فرضیه:

- ۱- تشبیه تمثیل چه کارکردهایی در کلیله و دمنه دارد؟
- ۲- تشبیه تمثیل چه تأثیری بر انتقال محتوا از گوینده به شنونده یا مخاطب دارد؟
- ۳- تشبیه تمثیل چه اثری بر قدرت تخیل مخاطب دارد؟
- ۱- به نظر می‌رسد تشبیه تمثیل کارکردهای خاصی در کلیله و دمنه دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد تشبیه تمثیل بر انتقال محتوا از گوینده به شنونده یا مخاطب دارد مؤثر است.
- ۳- به نظر می‌رسد تشبیه تمثیل بر قدرت تخیل مخاطب اثر دارد.

اهداف پژوهش:

- ۱- یافتن کارکردهای تشبیه تمثیل در کلیله و دمنه. اهمیت و ضرورت پژوهش: در این طبقه‌بندی پژوهشگر قادر خواهد بود چشم انداز نوینی از تمثیل‌های به کار رفته در متن کلیله و دمنه را بیابد به طوری که در فهم میزان اثر گذاری تمثیل و کار کرد آن در ایجاد فضای تعلیمی و پند و اندرز مؤثر باشد.
- روش گرد آوری: پس از بررسی کتاب کلیله و دمنه و فیش برداری از منابع دست اول و کد گذاری فیش‌ها پژوهشگر به تحلیل داده‌ها اقدام کرد و با مراجعه به منابع گوناگون توضیحاتی را به مطالب افزود. این پژوهش از طریق فیش برداری و به روش کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

تعاریف:

تمثیل:

«در تمثیل اصل بر این است که مشبه به ذکر شود اما گاهی ممکن است مشبه هم ذکر شود مثل (تشبیه تمثیل) مثل کسانی که به دنیا چسبیده‌اند مثل کسانی که در رهگذر سیل خانه ساخته‌اند.» (حسینی کازرونی، ۱۳۹۴، ۱۶)

«تمثیل یعنی تشبیه معقولی به محسوس مرکب که با تشبیه و ارسال المثل معمولاً یکسان و برابر است.» (حسینی کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۹)

«وقتی گوینده برای بیان مقصود خود مطلب حکیمانه‌ای به کار می‌برد و بدان وسیله ادعای خود را ثابت می‌نماید از آن بابت با یکدیگر شباهت دارند که در هر دو بین دو چیز یا مفهوم مقایسه و شباهتی صورت می‌گیرد، اما شباهت موجود بر تشبیه بر بنیاد تخیل و در تمثیل بر بنیاد قیاس است. تشبیه «سخن جذاب» به «عسل» تخیلی است، که مقایسه بر اساس یک قیاس تمثیلی صورت گرفته است (زنگویی وهمکاران، ۱۳۸۹: ۹۴) در شناخت تمثیل در کلیله و دمنه باید به دو لایه لفظی و معنایی توجه کرد در کلیله و دمنه مانند اکثر حکایات تمثیلی دیگر لایه معنایی در زیر لایه لفظی پنهان است اما همه در خدمت پیام و معنا هستند.

«تمثیل از صور مهم و تأثیرگذار زبان مجازی برای بیان انتقال مفاهیم، معانی و مضامین فلسفی، عرفانی، اخلاقی، مذهبی، تربیتی، ادبی، سیاسی، اجتماعی و حتی علمی و از روش‌های مهم تربیتی است که در موارد گوناگون استفاده می‌شود با این روش از قدرت جذابیت و انگیزش درخوری برخوردار بوده و باعث جلب توجه عمیق و فهم و درک مطالب به ویژه مطالب غامض، پیچیده از جمله مفاهیم عرفانی و فلسفی می‌شود. بخش اعظم ادبیات تعلیمی و آموزشی جهان بر روش تمثیل آفریده شده است که قصه‌های اخلاقی، مانند حکایات حیوانات، فابل پارابل و حکایت‌های رمزی همگی از خانواده‌ی تمثیل‌اند که همگی دولایه دارند: لایه‌ی بیرونی (الفاظ) و لایه‌ی درونی (محتوا) محتوای این تمثیل‌ها غالباً پنهان است و همانند استعاره مشبه آن محذوف است.

ادبیات تعلیمی: «در معنای خاص خود شامل دستورالعمل‌هایی بوده که آموزش یک فن یا هنر خاص اختصاص داشته است. در معنای عام به آثاری گفته می‌شود که موضوع آن مسائل اخلاقی، عرفانی و اجتماعی، مذهبی، حکمت، پند و اندرز و نظایر آنهاست.» (حسینی کازرونی، ۱۳۹۴، ۱۳۴)

تشبیه:

«تشبیه از بالاترین انواع بلاغت و شریفترین آن است.» (سیوطی، ۱۳۷۶ ج ۲: ۱۴۰) و در کلام امام علی (ع) آمده است: «ألمؤمن كالجبل الراسخ لا تحركه العواصف. مؤمن مانند کوه استوار است که بادهای سهمگین حوادث روزگار او را تکان نمی‌دهد.» (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۲۷)

«تشبیه حلقه اتصال اندیشه و ذهنیات خالق اثر با عالم واقع است، به خوبی می‌تواند بیانگر تفکر و خلاقیت او باشد.» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۸۹) «ابتدایی‌ترین لوازم خیال انگیزی و هسته و مرکز اغلب خیال‌های شاعرانه تشبیه است» (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۱۸۱) و جرجانی از تشبیه در کنار تمثیل و استعاره به عنوان اصول بزرگی یاد می‌کند که مهمترین محاسن کلام را در بر گرفته‌اند. (جرجانی، ۱۳۷۴: ۱۶).

تشبیه بر دو نوع است:

۱- قراردادی: مانند تشبیه قد به سرو و چشم به نرگس لب به لعل، که اینگونه تشبیهات برساخته‌ی شخص خاصی نیستند و استفاده از آنها در آثار ادبی مختلف معمول است و کاملاً قراردادی و جا افتاده هستند.

۲- غیرقراردادی

بدین معنا که در شاعر یا نویسنده بنا بر تخیل خود به کشف رابطه‌ی کشف نشده میان مشبه و مشبه به (رسانه، هدف) می‌پردازد و این تشبیهات تازه و غیرقراردادی بیشتر در آثار هنری خلق و بازشناخته می‌شوند.

با خواندن این جمله در کتاب کلیله و دمنه «آب گیری که آبش بصفای پرده درتر از گریه‌ی عاشق است» (منشی، ۱۳۸۰: ۸۲) متوجه می‌شویم مفهوم کلمات (پرده درتر) و (گریه‌ی عاشق) در مفهوم واقعی خود به کار نرفته‌اند، یعنی در اینجا نه شخص سخن چینی وجود دارد و نه عاشقی گریان وجود دارد، بلکه پرده در به معنای شفافیت و زلالی آب و گریه‌ی عاشق به معنای شفافیت آب همانند اشک است. رابطه‌ی شباهت میان زلال بودن آب با این کلمات رابطه‌ی بسیار دور از ذهن و غامض است که توسط نویسنده‌ی کلیله و دمنه کشف شده است. دانشمندان بلاغت و منتقدان ادبی در این باره بارها بحث کرده‌اند و این نوع تشبیه که در آن امور ذهنی و انتزاعی و معقول به امور محسوس تشبیه می‌شوند همواره مورد پسند نویسندگان از دیرباز بوده است، علی‌الخصوص نویسندگان نثر فنی از آن بهره‌ی فراوان برده‌اند. اگر این عبارت را بدون در نظر گرفتن وجه تشبیهی آن بکار ببریم شاید بی‌معنا باشد (آب گیری که آبش بصفای از گریه‌ی عاشق پرده درتراست) اما اگر وجه تشبیهی آن را بیان کنیم مفهوم و

منظور گوینده واضح تر خواهد شد. (آب گیری که از نظر زلالی و شفافیت آبش مانند اشک چشم عاشق زلال است) اما در اینجا چه وجهی از انواع تشبیه به کار رفته است. همانطور که می دانید مشبه، مشبه به، ادات تشبیه و وجه شباهت چهار رکن سازنده‌ی تشبیه هستند اما دو رکن اساسی رابطه‌ی شباهت میان دو امر همان مشبه و مشبه به هستند که گاه بدون دو رکن دیگر یعنی ادات تشبیه و وجه شباهت به کار می‌روند. حال این رابطه ممکن است میان دو امر محسوس یافت شود، یا ممکن است میان دو امر معقول یافت شود، یا ممکن است میان یک امر وهمی و تخیلی و یک امر محسوس یافت گردد، که در اینجا یافتن رابطه‌ی شباهت میان یک امر معقول و یک امر محسوس مرکب مورد نظر ما است. البته گاهی این امر به راحتی صورت نمی‌گیرد و کمی پی بردن به آن دیریاب و غامض است، لکن کتاب کلیله و دمنه را می‌توان منبعی پر از انواع این جملات و این تشبیهات دانست.

تفاوت دنیای نثر با دنیای شعر شاید باعث شود نویسنده برای بیان تمثیل در فشار باشد و گاهی آنرا به سختی بیان کند زیرا مجال خیال پردازی در نثر کمتر است، اما هرگاه که در کلیله و دمنه به این نوع جملات تمثیلی برمی‌خوریم آن را در اوج خیال‌انگیزی می‌یابیم که در جای جای ابواب کتاب به کار رفته‌اند. در تمثیل معمولاً مشبه به ذکر می‌شود؛ اما گاهی مشبه نیز ذکر می‌گردد. استعاره‌ی تمثیل نیز یکی از انواع تمثیل است که با ذکر مشبه به و حذف مشبه به وجود می‌آید.

گره به باد مزین گرچه بر مراد رود. (حافظ،: ۴۵) در بیان مفهوم آن باید گفت: انجام کار بیهوده همان مشبه محذوف است، که مانند گره به باد زدن است.

«استعاره با درهم آمیختن دریافت‌های ما از مشبه و مشبه به (رسانه و هدف) معنایی می‌سازد که (حاصل تبادل) آن دو است (استیور، ۱۳۸۴: ۲۱۵)

در اینجا دو جمله تشبیهی دارید:

هرکه از آتش بستر سازد و از مار بالین کند خواب او مهنا نباشد. (منشی، ۱۳۸۰: ۹۵) استفاده از استعاره تمثیل که با ذکر مشبه به و حذف مشبه شکل گرفته است.

مار است		شر	آتش است.		شر
↓	مانند	↓	↓	مانند	↓
مشبه به		مشبه محذوف	مشبه به		مشبه محذوف

«در واقع در تشبیه یک رابطه‌ی شباهت از قبل وجود داشته است و سپس شاعر یا نویسنده به کشف آن می‌پردازد، اما در استعاره شاعر یا نویسنده به خلق شباهت دست می‌زند. (ماکس بلک، فیلسوف معاصر در مقاله‌ی (استعاره) ۱۹۵۵ نشان داد که استعاره سازی یک عمل ذهنی متمایز است. استعاره (شباهت) از پیش بوده میان دو چیز را بیان نمی‌کند، بلکه شباهت را خلق می‌کند بلکه در حقیقت در پیشنهادی جسورانه ادعا کرد که استعاره تنها در تشخیص واقعیت به ما کمک نمی‌کند بلکه واقعیت یا معنای جدیدی می‌آفریند.» (زنگویی، شعبانی، فتوحی، مسعودی، ۱۳۸۹: ۸۲)

که در اینجا نیز این نظریه در رابطه با این استعاره تمثیلیه در کلیله و دمنه صدق می‌کند در اینجا نویسنده برای بیان مفهوم سوزاندگی و خطرناک بودن شر آنرا به آتش و مار تشبیه کرده است؛ که در کنار این هر دو نمی‌توان خوابی آرام و شیرین را تجربه کرد. استعاره مفهومی به زمینه‌ای محدود نیست، و واژه‌ها خود را به یافتن مفهومی فراسوی زمینه یا متن فرامی‌خوانند، در استعاره کذب بیشتر درباره‌ی آن محقق می‌شود و مفهومی را به طور برجسته تقویت و برجسته می‌کند و یا آن را تضعیف می‌کند. که در این مورد با استفاده از استعاره تمثیلیه حس شرارت در مورد آتش و مار تقویت و برجسته‌تر شده است و بدین وسیله نصراله منشی با یک خلاقیت به خلق معنایی جدید با استفاده از استعاره‌ی تمثیلیه پرداخته است؛ و در ترکیب اجزای استعاره‌ی تمثیلیه بین مستعار و مستعارله به خلق معنایی بدیع دست یافته است که هیچ یک از این اجزاء به تنهایی قادر به آفرینش این معنی نیستند.

۱- کارکرد آفرینش مفهوم در تشبیه تمثیل:

به نظرمی رسد که برخلاف نظریه کلاسیک این کلمات نیستند که با ترکیب خود در تشبیه یک مفهوم را می‌آفرینند بلکه این مفاهیم هستند که با ترکیب خود یک تشبیه نوین می‌آفرینند در تشبیه تمثیل از ترکیب دو مفهوم معقول و محسوس مرکب به یک دیدگاه و نگرش نوین و یک مفهوم تازه دست پیدا می‌کنیم. «دشمن در خوابگاه ناکامی و مذلت غلطان.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۲۴)

در این نمونه ناکامی و مذلت مشبه معقول هستند که به جایی برای غلطیدن دشمن تشبیه شده‌اند که مشبه به محسوس مرکب است. نویسنده از ترکیب مفاهیم خوابگاه و غلطیدن در رختخواب و ناکامی و مذلت مفهوم جدیدی آفریده است. ناکامی و مذلت مانند خوابگاهی برای غلطیدن دشمن است؛ یعنی بمیرد و نابود شود.

۲- کارکرد شناختی تشبیه تمثیل:

می‌توان گفت تشبیه در دیدگاه شناختی فهم و درک یک حوزه‌ی مفهومی برحسب درک یک رابطه از آن با حوزه مفهومی دیگر است.

دان استیور ازمشبه و مشبه به رسانه و هدف تعبیر کرده است. هرگاه ما می‌گوییم چشم نرگس چشم رسانه است و نرگس بودن یا نرگس شدن چشم هدف ما است.

در تشبیه تمثیل مفاهیم انتزاعی، نامحسوس و معقول براساس مفاهیم محسوس، ملموس و زمینی درک می‌شوند پس می‌توان گفت درحوزه‌ی شناختی هدف از تشبیه تمثیل این است که ما مفاهیم ذهنی و انتزاعی را براساس یک الگوی عینی و محسوس تجزیه و تحلیل کنیم و آنها را درک نماییم. که به این وسیله در اثر تعامل مفاهیم یک حوزه با مفاهیم حوزه‌ی دیگر مفاهیم نوین به وجود می‌آیند. تشبیه تمثیل در کلیله و دمنه با برجسته سازی و تصویرسازی مشبه معقول باعث می‌شود که در سایه مشبه به محسوس مرکب رابطه‌ی شباهت شناخته شود و مفهوم جدیدی در این راستا کشف شود که مانند یک تابلو در ذهن مخاطب تجسم می‌گردد. در جمله‌ی «او را برجانبی برد که در صفای آن چون آینه‌ای شک و یقین صورتها بشمردی و اوصاف چهره‌ی هر یک برشمردی.» (منشی، ۱۳۸۰: ۸۵) صفای چاه: مشبه معقول چون آینه‌ای که شک و یقین صورتها بشمردی مشبه به محسوس مرکب و اوصاف چهره هر یک برشمردی: وجه شبه چون: ادات تشبیه است.

مفهوم (صفا) به معنی: پاکی، پاکیزگی، طهارت، طهر، آمده است؛ که مفهومی انتزاعی است و برای درک آن از صافی و زلالی آب که شناخته شده تر است بهره گرفته است و مشبه معقول است. که به عنوان حوزه مبدأ به شمار می‌آید و به آینه‌ای که ریزه کاری‌های چهره را نشان می‌دهد، تشبیه شده است مشبه به محسوس مرکب است و درحوزه مقصد، مفهومی را ایجاد می‌کند.

آب چاه زلال که ریزه کاری‌های صورت‌ها را نشان می‌داد و حتی زیبایی و زشتی صورت را هم نشان می‌دهد و با استفاده از روابط میان مفهوم دو حوزه‌ی مبدأ و مقصد به برانگیختن ذهن ما برای برقراری ارتباط تازه‌ای که درخلال آن مفاهیم به وجودمی آید کمک می‌کند و مفهوم تمثیلی جدیدی می‌آفریند. از آنجایی که مخاطب در مواجهه با تشبیه باید برای درک آن به کشف رابطه شباهت میان آنها نائل شود لذا باعث سازمان دهی تفکر می‌شود و باعث رشد و پرورش فکر در مخاطب می‌گردد و در شناخت واقعیت به مخاطب یاری می‌دهد و باعث می‌شود که مفاهیم واژه‌ها، اصلاحات، عبارات و جملاتی که در تشبیه به کار رفته‌اند از زوایا و جوانب و مناظر گوناگون بررسی شوند و در رابطه با آن مخاطب به شناخت دست می‌یابد. لذا می‌توان گفت تشبیه نیز یکی از ابزارهای یادگیری و تقویت حافظه است که موجب شناخت می‌شود.

۳- کارکرد غیرشناختی تشبیه تمثیل:

در این دیدگاه دو مفهوم به یکدیگر نزدیک شده‌اند و به ظاهر قرابتی ندارند اما وجه شباهت در میان آنها روشنگری می‌کند و شباهت آنها را توضیح می‌دهد و چشم انداز جدیدی را بازگو می‌کند. «صحبت اشرار را دست موزه‌ی سعادت ساختن همچنان است که برصحیفه کوثر تعلیق کرده شود و کاه پیخته را به باد صرصر سپرده آید.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

مفاهیمی مانند: همنشینی با اشرار مانند نوشتن روی آب و یا کاه به باد دادن است ظاهراً با یکدیگر قرابتی ندارند اما بر انجام کار بیهوده دلالت می‌کنند و استعاره تمثیلیه از انجام کار بیهوده هستند. مخاطب در مواجهه با این تشبیه باید برای درک آن به کشف رابطه شباهت میان آنها نائل شود لذا باعث سازمان دهی تفکر می‌شود و وجه شباهت در میان آنها روشنگری می‌کند.

۴- کارکرد انگیزشی تشبیه تمثیل:

درتشبیه با آراسته سازی و برجسته کردن کلام در متن و با پردازش فوری معانی در ذهن مخاطب باعث ایجاد انگیزه و اشتیاق و شور و هیجان می‌شود و ذهن خواننده و مخاطب را به کشف روابط میان مفاهیم وا می‌دارد.

۵- کارکرد تعامل و ترکیب در تشبیه تمثیل:

در این حوزه ویژگی‌های مشبه و مشبه به با یکدیگر ترکیب می‌شوند و ویژگی نوینی را می‌آفریند و در تشبیه نیز می‌توان گفت عنصر شناخته‌تر باعث شناساندن عنصر کمتر شناسایی شده می‌شود همانطور که در این زمینه نیز گفته شده است.

«در تشبیه تمثیل انتقال معنی از عنصری به عنصر دیگر است، یعنی عنصری که مفهوم مشخص‌تر و شناخته شده‌تری دارد، تمام یا قسمتی از معنای خود را به عنصر دیگری که اغلب کمتر شناخته شده است و دسترسی زیادی بدان وجود ندارد منتقل می‌کند.» (قاسم زاده، ۱۳۷۹، ۹) و در تشبیه نیز می‌توان گفت عنصر شناخته‌تر باعث شناساندن عنصر کمتر شناسایی شده می‌شود. همان طور که ویژگی شفافیت و انعکاس در آینه شناخته‌تر است و از این رو آب از نظر زلالی و شفافیت و منعکس کردن تصویر در این مثال به آینه تشبیه شده است. «آب گیری که آبش بصفا پرده درتر از گریه‌ی عاشق است» (منشی، ۱۳۸۰: ۸۲)

۶- کارکرد بسط و گسترش مفهوم در تشبیه تمثیل:

در کنار کارکرد تعامل و ترکیب همان طور که گفته شد خواص و ویژگی‌های مشبه و مشبه به با یکدیگر ترکیب می‌شوند و همین باعث بسط و گسترش مفاهیم می‌گردد. مخاطب با دقت در ترکیب واژگان و از طریق خوانش متن و نوشته و تحلیل آن و با کشف رابطه‌ی میان مشبه و مشبه به مفهومی بسط و گسترش یافته می‌رسد.

این ترکیب در اثر تخیل نویسنده یا شاعر و به وسیله‌ی کشف رابطه‌ی شباهت میان مفاهیم به وجود می‌آید. «تخیل نه بازسازی یا بازآفرینی چیزی غایب، بلکه به معنای دقیق واژه، آفرینش چیزی تازه است.» (احمدی، ۱۳۸۰، ۶۱۹) «با نور عقل آراسته باشد و به زینت خرد متحلی.» (منشی، ۱۳۸۰: ۲۹۱) در این نمونه نیز نور، مفهومی شناخته شده تری نسبت به عقل دارد و برای دریافت و توضیح مفهوم عقل از مفهوم ملموس نور استفاده کرده است.

۷- کارکرد آفرینندگی و گسترش معنایی در تشبیه تمثیل:

مفاهیم در اثر ترکیب با یکدیگر از یک حوزه معنایی به حوزه‌ی معنایی دیگر دگرگون می‌شوند و تصویری جدید از یک مفهوم را خلق می‌کنند. مثلاً در این حوزه این جمله تمثیلی مفاهیمی را به ذهن منتقل می‌کند.

صبح ظفرت تیغ برآورده. (منشی، ۱۳۸۰: ۱۲۴)

پیروزی مشبه عقلی است مانند صبح شمشیر کشیده است. صبح مشبه به محسوس مرکب است. در این ترکیب صبح ظفر اضافه تشبیهی است. اما به مناسبت اینکه طرفین تشبیه مشبه معقول و مشبه به محسوس مرکب است تمثیل نیز محسوب می‌شوند.

این ترکیب که موجب گسترش معنای مشبه و مشبه به و ایجاد مفهوم جدیدی شده است این مفاهیم همانگونه که قبلاً گفته شد قراردادی نیستند بلکه برساخته‌ی ذهن نویسنده و شاعر هستند و می‌توان آنها را تشبیهات و تمثیلات شخصی نیز نامید.

۸- کارکرد برجسته سازی تشبیه تمثیل:

به کاربرد تشبیه به جلب توجه مخاطب می‌انجامد و برای فهم و کشف رابطه‌ی میان مشبه و مشبه به دقت می‌کند و توجه مخاطب را به خود جلب می‌کند به همین دلیل در حکایات تمثیلی، از تمثیل برای جلب توجه مخاطب و رسیدن به مفهوم و مقصود روایت گر که در پس حکایت نهفته است دقت می‌کند تا به مقصود تنه انگیز و عبرت آموز از حکایت تمثیلی برسد.

خداوند در قرآن کریم نیز به تمثیل دست زده است تا توجه مخاطبان را جلب کند (ای کسانی که ایمان آورده‌اید از یکدیگر غیبت می‌کنید، آیا هیچ یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌ی خود را بخورد، پس آن‌ها را ناخوش خواهید داشت) (حجرات، ۱۲: ۴۹)

هست چون مار گرزده دولت دهر / نرم و رنگین و اندرون پر زهر

(منشی، ۱۳۸۰: ۲۳۹)

ماری خوش خط و خال است.



مشبه به محسوس مرکب

مانند

سعادت



مشبه معقول

در این نوع از تشبیه امری معقول به امری محسوس و مرکب تشبیه می‌شود.

۹- کارکرد اکتشافی در تشبیه تمثیل:

از دیدگاه شاعر یا نویسنده رابطه‌ی معنایی کشف نشده‌ای به دو امر مشبه و مشبه به وجود دارد که در تشبیهات غیرقراردادی شاعر و نویسنده آنرا کشف و بیان می‌کند و مخاطب نیز باید برای درک مفاهیم قادر به این کشف باشد و مخاطب از طریق تأویل و خوانش متن به کشف رابطه می‌رسد در این میان مخاطب برای فهم مفاهیم به اکتشاف روی می‌آورد. «دیویدسون هم بر این باور است که اگر مثلاً گفته شود (ژولیت مثل خورشید است) فراگیر باید بکوشد تا وجه یا وجوه مشترک و مشابهت آن‌ها را پیدا نماید و نباید تصور کند که این دو از تمامی جهات به یکدیگر شبیه هستند.» (دیویدسون، ۱۳۸۴، ۹۰)

هست چون مار گرزه دولت دهر
نرم و رنگین و اندرون پر زهر
(منشی، ۱۳۸۰: ۲۳۹)

<u>سعدت</u>	مانند	<u>ماری خوش خط و خال است.</u>
↓		↓
مشبه معقول		مشبه به محسوس مرکب

در این نوع از تشبیه امری معقول به امری محسوس و مرکب تشبیه می‌شود. همان طور که توضیح داده شد، در این مثال نیز مخاطب باید به درکی از تشبیه تمثیل از طریق خوانش و تأویل آن برسد.

۱۰- کارکرد تأویلی در تشبیه تمثیل:

تأویل به مفهوم شناخت امور مجهول به وسیله امور شناخته شده است و یا به عبارتی شناسایی امور معقول و انتزاعی و مفاهیم ذهنی و محسوس و قابل درک کردن آنها و همانند سازی آنها با امور محسوس یا به معنای از ظاهر به باطن پی برده است که با این عمل مخاطب از آشکار به پنهان می‌رسد و مفاهیم کشف نشده و روابط غامض را روشن می‌سازد. گرچه تأویل مخالفانی دارد اما پی بردن به رابطه شباهت میان مشبه و مشبه به نوعی تأویل به حساب می‌آید. «درهرمتن باید معنایی نهفته باشد، معنایی که سرانجام دست یافتنی است.» (ضرابیها، ۱۳۸۴: ۱۵۸). «به طور خلاصه تأویل به خواننده مجال فعال سازی ذهن و خلق معنا را می‌دهد به گونه‌ای که سخن یا نشانه‌ها را براساس تجربه‌ها و عقاید خویش معنادار کند.» (زنگویی، ۱۳۸۹، ۹۹) نیچه یکی از مخالفان تأویل بود او می‌گوید «ما

موجوداتی پذیرا هستیم و دیگر نیروی آفرینش را از دست داده‌ایم تنها به تأویل‌های گذشته دل بسته‌ایم، برای آفرینش هنری باید نخست بیاموزیم که خوب و درست فراموش کنیم.» (ضرابیها، ۱۳۸۴، ۱۵۸)

«اما فیلسوفاتی مانند شلایماخر، آگوست بک، ویلهلم دیلتای، ادموند هوسرل بر این باورند که با تأویل مناسب می‌توان به معنای مشخص و واحد متن و به نیت مؤلف از تدوین آن پی برد.» (زنگویی، ۱۳۸۹: ۹۹) «چه نهال کردار و تخم گفتار چنانکه پرورده و کاشته شود بثمرت و ربیع رسد.» (منشی، ۱۳۸۰: ۱۲۵) در این مثال کردار به نهالی تشبیه شده است و گفتار به تخمی تشبیه شده است و مخاطب از طریق تأویل پی به معنای نهفته می‌برد یعنی با برقراری ارتباط میان مفاهیم پروردن و کاشتن و به ثمر رسیدن در ارتباط با درخت و تخم مفهوم آیت تشبیه را تأویل می‌کند و با همانند سازی آنها با امور محسوس یا به معنایی از ظاهر به باطن پیمی برد.

نتیجه:

پس از بررسی در متن کلیله و دمنه بدین ترتیب می‌توان در بیان خلاصه‌ای از بیان کارکردهای گوناگون تشبیه تمثیلی به امور زیر اشاره کرد:

- ۱- تشبیه تمثیلی در اصلی‌ترین کار کرد خود به بیان امور و مفاهیم غامض و انتزاعی و ذهنی و کشف آنها توسط امور محسوس، عینی می‌پردازد؛ آنها را قابل درک و فهم می‌کند. در عین حال یکی از ابزارهای تزئین کلام است و باعث جذابیت متن می‌شود و لطافت آن باعث جذب مخاطب می‌گردد و باعث گسترده‌گی کلام و محتوا نیز می‌شود.
- ۲- به وسیله تشبیه تمثیل می‌توان به انتقال محتوا از گوینده به شنونده یا مخاطب پرداخت. با استفاده از تشبیه تمثیل جلب توجه مخاطب بیشتر می‌گردد و در مخاطب ایجاد دقت و حساسیت و کنجکاوی می‌کند؛ همچنین باعث غنی شدن زبان و زایایی و بسط و گسترش متن می‌گردد. همچنین باعث شناخت عمیق‌تر نسبت به امر مجهول می‌گردد. و در مخاطب قدرت تخیل و تصور را گسترش می‌دهد.
- ۳- به وسیله تشبیه تمثیل می‌توان معانی فراوان با الفاظ اندک را به مخاطب منتقل کرد که موجب اعتلای سخن گوینده می‌شود. حس تجزیه و تحلیل را در مخاطب برمی‌انگیزد و مخاطب در ذهن خود برای شناختن امر مجهول به مدل سازی از امر معروف می‌کند.

فهرست منابع و مآخذ:

قرآن کریم

نهج البلاغه

- احمدی، بابک (۱۳۸۰). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز
- استیور، دان (۱۳۸۴). فلسفه زبان دینی، ترجمه ابوالفضل ساجدی، تهران نشرادیان
- پور نامداریان تقی (۱۳۷۴). سفر در مه. تهران: زمستان.
- جرجانی، عبد القاهره (۱۳۷۴). اسرار البلاغه، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران.
- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۹۶). دیوان اشعار، تهران: انتشارات آراز بیکران.
- حسینی کازرونی، احمد (۱۳۹۴). تمثیل و ادبیات تمثیلی، فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، سال ۷، شماره پیاپی: بیست و سوم.
- کمالی بانیان، محمد رضا (۱۳۹۴). نگرشی به تمثیل در ادبیات تعلیمی، فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، سال ۸، شماره پیاپی: بیست و شش.
- دیوید سون، دونالد (۱۳۸۴). معنای استعاره‌ها، ترجمه‌ی رضا امینی، مجله‌ی زیبا شناخت، شماره ۱۲.
- رضوانی نیا، اسماعیل، (۱۳۹۷). پایان نامه دکتری با عنوان نقد و تحلیل درون مایه و ساختار حکایت‌های تمثیلی (نمایشی) در ادب فارسی در قرن ۶ و ۷ بر پایه‌ی کلیله و دمنه، سمک عیار، چهار مقاله، مرزبان نامه و گلستان سعدی. دانشگاه آزاد سبزوار.
- زنگویی، اسداله، شعبانی ورکی، بختیار، فتوحی، محمد، مسعودی، جهانگیر، (۱۳۸۹)، استعاره: مفهوم نظریه‌ها و کارکردهای آن در تعلیم و تربیت، مجله‌ی مطالعات تربیتی و روان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد دوره یازدهم شماره ۱.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۳۷۶)، الاتقان فی علوم القرآن، مترجم: مهدی حائری قزوینی، تصحیح ابراهیم محمد ابوالفضل، تهران: امیرکبیر.
- ضرابیها، محمد ابراهیم (۱۳۸۴). زبان عرفان. تهران: بینا دل.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵). بلاغت تصویر. تهران: امیر کبیر.
- قاسم زاده، حبیب اله (۱۳۷۹). استعاره و شناخت. تهران: نشر فرهنگیان
- محمدی کله سر، علیرضا (۱۳۹۵). داستان تمثیلی؛ ساختار، تفسیر و چندمعنایی. دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، دوره ۲۴، شماره ۸۱.

محمودی، حمید، (۱۳۸۲). آشنایی با علوم بلاغی: بیان و بدیع، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی دارالذکر آفاق.

محمودی، مریم (۱۳۹۳). تشبیه برجسته‌ترین ویژگی سبکی کلیله و دمنه، مجله فنون ادبی دانشگاه اصفهان، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۱، پاییز و زمستان.

منشی، نصر الله (۱۳۸۰). کلیله و دمنه، چاپ بیستم، تهران: انتشارات امیر کبیر.

میر هاشمی، سیدمرتضی، عباسی، حبیب اله، صالحی، الهام (۱۳۹۸). تمثیل، گونه‌ها و کارکرد آن در پنج اثر مشهور تاریخی، دو فصل نامه علمی ادب فارسی، سال ۹، شماره ۲، پیاپی ۲۴.

References

The Holy Quran

Nahj al-Balagha

Ahmadi, Babak (1380). Text structure and interpretation. Tehran: Publishing Center

Davidson, Donald (1384). The meaning of metaphors, translated by Reza Amini, Zaiba Noght Magazine, No. 12.

Fatuhi, Mahmoud (1385). Balaghat Image, Tehran: Amir Kabir.

Ghasemzadeh, Habib Elah (1379). Metaphor and cognition. Tehran: Nashafarhangian

Hafez, Shamsuddin Mohammad (2016). Divan of Poems, Tehran: Araz Bikaran Publishing House.

Hosseini Kazrooni, Ahmed (2014). Allegory and allegorical literature, Persian language and literature didactic and lyrical research quarterly, Islamic Azad University, Bushehr branch, year 7, serial number: twenty-third.

....., Kamali Banian, Mohammad Reza (2014). An attitude to allegory in educational literature, Persian language and literature, Islamic Azad University, Bushehr branch, year 8, serial number: twenty-six.

Jurjani, Abdul Qahira (1374). Asrar al-Balagha, translated by Jalil Tejeleel, Tehran: University of Tehran.

Mahmoudi, Maryam (2013). Simile is the most prominent stylistic feature of Kalila and Demeneh, Isfahan University Literary Techniques Magazine, 6th year, number 2, 11 consecutive, autumn and winter.

Mir Hashemi, Syed Morteza, Abbasi, Habib Elah, Salehi, Elham (2018). Allegory, its types and function in five historical prose works, two chapters of the scientific journal of Persian literature, year 9, number 2, number 24.

Mohammadi Kalesar, Alireza (1395). allegorical story; Structure, interpretation and polysemy. Persian language and literature biannual, volume 24, number 81.

Mohammadi, Hamid, (1382), Familiarity with rhetorical sciences: expression and innovation, Qom: Afaq Darul-Zekar Publishing Cultural Institute.

Pour Namdarian Taghi (1374). Travel in fog. Tehran: Zemestan.

Rizvaniya, Ismail, (2017). Doctoral thesis with the title of criticism and analysis of the content and structure of allegorical stories (dramatic) in Persian literature in the 6th and 7th centuries based on Kalileh and Demaneh, Samak Ayyar, Chahar Tesseh, Marzban Nameh and Golestan Saadi. Sabzevar Azad University.

Secretary, Nasrullah (1380). Kalileh and Demaneh, 20th edition, Tehran: Amir Kabir.

- Siyuti, Jalaluddin Abdurrahman, (1376), *Al-Itqan fi Ulum Al-Qur'an*, translator: Mehdi Haeri Qazvini, proofread by Ibrahim Mohammad Abolfazl, Tehran: Amir Kabir.
- Steuer, Don (2004). *Philosophy of religious language*, translated by Abolfazl Sajdi, Tehran Neshradian
- Zangoui, Asadaleh, Shabani Varki, Bakhtiar, Fatuhi, Mohammad, Masoudi, Jahangir, (2009), *Metaphor: The concept of theories and its functions in education and training*, *Journal of Educational and Psychological Studies of Ferdowsi University of Mashhad*, Volume 11, Number 1.
- Zarrabiha, Mohammad Ibrahim (1384). *The language of mysticism*. Tehran: Bina Del.